

تونس، پلی برای حضور ایران در بازارهای شمال آفریقا

معاون سازمان توسعه تجارت ایران ضمن اشاره به تقویت روابط ایران با آفریقا طی سال‌های اخیر، اظهار کرد: تونس تنها کشور آفریقایی است که ایران با آن موافقت‌نامه تجاری دارد و این کشور به لحاظ تاریخی و فرهنگی حس نزدیکی ویژه‌ای به ایران دارد.

محمدصادق قنادزاده افزود: ما در شمال آفریقا پس از سال‌ها خط کشتیرانی ایجاد کردیم و اگر بخواهیم تجارت با تونس را توسعه دهیم، باید موافقت‌نامه تجاری را احیا و این کشور را به هاب توزیع اقلام در منطقه شمال آفریقا تبدیل کنیم. تونس با ثبات سیاسی و ظرفیت‌های تجاری خود می‌تواند دروازه ورود ایران به بازارهای شمال آفریقا باشد.

معان خدمات تجاری سازمان توسعه تجارت ایران خاطر‌نشان کرد: تلاش این سازمان (توسعه تجارت ایران) این است که با احیای کمیسیون مشترک اقتصادی و گسترش همکاری‌ها، مسیر تازه‌ای برای تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای ایران هموار شود. این اقدام، علاوه بر توسعه صادرات، می‌تواند به عنوان پلی برای حضور ایران در بازارهای شمال آفریقا عمل کند.

قنادزاده تصریح کرد: احیای کمیسیون مشترک اقتصادی و توسعه همکاری‌های تجاری با تونس، در کنار تسهیل سفرهای گردشگری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بندری و اقتصادی این کشور، گام مهمی در تقویت حضور ایران در شمال آفریقا محسوب می‌شود. این اقدامات می‌تواند نقشی محوری در رونق تجارت منطقه‌ای و افزایش تعاملات اقتصادی ایران با کشورهای آفریقایی داشته باشد.

■ ■ ■

مصرف بیش از ۱،۰۰۰،۰۰۰ الیتر

بنزین در ۷ روز

مجموع مصرف بنزین کشور در یک هفته اخیر (۱۵) شهریور تا ۲۱ شهریور) با ثبت رکوردی تازه و میانگین مصرف روزانه ۱۴۳.۷ میلیون لیترش از مرز یک میلیارد لیتر گذشت.

به گزارش ایسنا، بر اساس آمارهای شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، در هفته گذشته (۱۵) تا ۲۱ شهریور) در مجموع یک میلیارد و ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار لیتر بنزین توزیع شد. با توجه به تعطیلات اخیر و افزایش سفرهای تابستانی در سراسر کشور، میانگین مصرف روزانه بنزین در این بازه زمانی حدود ۱۴۳.۷ میلیون لیتر بوده است، در حالی که میانگین روزانه مصرف بنزین کشور در سال ۱۴۰۴ تا ابتدای شهریور حدود ۱۳۰ میلیون لیتر بوده است.

آمار روزانه ثبت‌شده مصرف بنزین کشور در روزهای پانزدهم، شانزدهم، هفدهم، هجدهم، نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم شهریور امسال به ترتیب ۱۴۹.۲، ۱۴۱.۳، ۱۳۹.۷، ۱۳۹.۷، ۱۴۶.۱، ۱۴۵.۱، ۱۳۴.۵ میلیون لیتر بوده که بیانگر فشار بالای تقاضا بر شبکه تأمین و توزیع سوخت کشور است. در این بازه زمانی بیشترین آمار ثبت‌شده مصرف بنزین مربوط به روزهای ۱۵ (شنبه) و ۱۸ شهریور (سه‌شنبه)، با مقدار مصرف ۱۴۹.۲ و ۱۴۹.۷ میلیون لیتر و کمترین مقدار مصرف مربوط به ۲۱ شهریور (جمعه) با رقم ۱۳۴.۵ میلیون لیتر مصرف بوده است.

رشد مصرف بنزین در روزهای اخیر، همزمان با افزایش سفرهای تابستانی و تردهای بین‌شهری، بار دیگر ضرورت توجه به راهکارهای مدیریت مصرف را برجسته می‌کند، آطور که اعلام‌شده متوسط رشد سالانه مصرف بنزین از ابتدای انقلاب تا سال ۱۴۰۲ حدود ۵ درصد بوده و در ۴ سال گذشته مصرف بنزین ۱۰ درصد رشد داشته‌است و بر اساس پیش‌بینی‌ها با ادامه این روند تا سال ۱۴۰۷ مصرف بنزین به روزانه ۱۷۰ میلیون لیتر می‌رسد. استفاده نکردن از فناوری‌های تازه در صنعت خودروسازی از عوامل مهم ناترازی انرژی در کشور است. هم‌اکنون طبق نظر کارشناسان خودروهای به مردم عرضه می‌شود که مطابق استانداردهای جهانی نیست و مصرف بنزین بسیار بالاتری نسبت به خودروهای ساخته‌شده در کشورهای پیشرفته دارد. افزون بر این مصرف چندبرابری خودروها و فرسوده و قفاجی سوخت نیز از عوامل بالای مصرف بنزین در ایران است.

سرانه مصرف بنزین در ایران هم‌اکنون ۴ لیتر در روز است که بالاتر از متوسط جهانی (۳ لیتر در روز) است و اگر روند کنونی رشد مصرف بنزین ادامه یابد، ناترازی بنزین تا سال ۱۴۰۷ بیش از ۱۶ میلیارد دلار در سال ارزیابی خواهد داشت.

■ ■ ■

بارش‌ها ۴۰درصد آب رفت

بر اساس آخرین آمار از ابتدای سال آبی تا ۲۲ شهریورماه از وضعیت سدهای کشور، حجم مخازن سدها تنها ۳۷ درصد است.

میزان ورودی مخازن کل کشور از ابتدای سال آبی (ابتدای مهرماه) تا ۲۲ شهریورماه معادل ۲۴.۴۸ میلیارد متر مکعب بوده که در قیاس با سال گذشته -که عددی معادل ۴۲.۰۶ میلیارد مترمکعب بوده- ۴۲ درصد کاهش داشته است. همچنین میزان کل خروجی سدهای کشور نیز نسبت به سال قبل با ۲۳ درصد کاهش مواجه‌بوده‌است. حجم آب موجود مخازن اکنون ۲۵.۴۸ میلیارد متر مکعب ثبت‌شده که این عددنسبت به‌سال قبل -که عددی معادل ۲۵.۴۸ میلیارد متر مکعب بوده- ۲۵ درصد کاهش یافته‌است. همچنین حجم پرشدگی سدهای کشور نیز تا این تاریخ ۲۷ درصد است. بر اساس اعلام شرکت مدیریت منابع آب، وضعیت برخی سدهای مهم کشور بیانگر این است که در ۱۳ درصد ازری، هزینه دارد. در صورتی که سد لار، سد دوستی و طرق استان خراسان رضوی، سد ۱۵ خرداد حوضه‌قم‌رود، سد استقلال، شمیل، نیال و سرنی آذربایجان غربی، سد سفیرود استان گیلان، سد تهم استان زنجان، سد رودبال داراب استان فارس، سد تنگوییه سیرجان و سد نشا‌انسان کرمان و سد ساوه استان مرکزی کمتر از ۱۰ درصد آب دارند. همچنین ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۱۴۸۸ میلیمتر است. این مقدار بارندگی هم نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت (۲۴۶.۳ میلیمتر) و هم نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته (۲۴۹.۸ میلیمتر) ۴۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.



«وطن امروز» از دلایل عدم موفقیت دستگاه‌های متولی کنترل بازار گزارش می‌دهد

خواب تنظیم‌گر بازار

ستاد تنظیم بازار به دلیل نداشتن سازوکار شفاف برای برخورد باگران‌فروشی و تأخیر در تدوین مصوبات مربوط به ذخایر راهبردی در وضعیت انتظار تورمی در‌ست عمل نکرد

کنند. مقابله با انحصار در زنجیره تأمین و ایجاد بستر

رقابتی از تولید تا توزیع، از دیگر اقدامات ضروری است. اجرای کامل طرح کالابزرگ الکترونیک و توزیع هدفمند یارانه‌ها نیز می‌تواند نقش مهمی در کنترل قیمت‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ایفا کند.

شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی درباره وضعیت بازار، قیمت‌ها و اقدامات نظارتی، باید به‌صورت منظم انجام شود تا اعتماد عمومی تقویت شود. همکاری با دستگاه قضایی برای برخورد سریع و علنی با گران‌فروشان و محتکران، همراه با انتشار اسامی آنها، می‌تواند بازدارندگی مؤثری ایجاد کند. همچنین تشکیل یک کمیته بحران بازار با اختیارات ویژه و ارتباط مستقیم با دولت و نهادهای امنیتی، برای مدیریت شرایط خاص ضروری است.

درواقع تنظیم بازار صرفاً یک اقدام اقتصادی نیست، بلکه بخشی از مدیریت عمومی بازار است که با معیشت، ثبات روانی و اعتماد جامعه گره خورده است. ستاد تنظیم بازار باید از یک نهاد واکنشی به یک نهاد پیش‌برنده تبدیل شود؛ نهاده‌ی که نه‌تنها در مشکلات، بلکه در شرایط عادی نیز بتواند ثبات، عدالت و شفافیت را در بازار حفظ کند.

در سال جاری بویژه در دوران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، بازارهای داخلی با شوک‌های ژئوپلیتیک مواجه شدند. بر خلاف انتظار

عمومی، بازارهای دارایی مانند ارز، طلا و مسکن نوسان شدیدی را تجربه نکردند اما کالاهای مصرفی و خوراکی، بویژه اقلام اساسی، با افزایش قیمت و نوساناتی روبه‌رو شدند. این وضعیت نشان‌دهنده ضعف عملکرد ستاد تنظیم بازار در حوزه‌های حیاتی معیشتی بود.

به عبارتی در جریان جنگ اخیر، بیشترین نوسان قیمت‌ها مربوط به گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بود؛ تورم ماهانه این گروه در آن دوره به بیش از ۷ درصد رسید. اقلامی مانند گوشت قرمز و مرغ با جهش قیمتی مواجه شدند، روغن نباتی و لبنیات به دلیل وابستگی به واردات و تأخیر در تخصیص ارز دچار کمبود شدند و حبوبات و غلات نیز در مناطق مرزی با کاهش عرضه و افزایش قیمت همراه بودند. حتی

داروهای عمومی و مکمل‌های تغذیه‌ای نیز به دلیل افزایش تقاضای احتیاطی در شرایط جنگ، با نوسان قیمت مواجه شدند.

اما چرا در این شرایط، ستاد تنظیم بازار نتوانست نقش تنظیم‌گر خود را به‌درستی ایفا کند؟ با وجود ذخایر راهبردی فعال برای کالاهای اساسی، عدم مداخله مؤثر در قیمت‌گذاری، ضعف در نظارت میدانی و عدم اطلاع‌رسانی شفاف درباره موجودی کالاها، موجب افزایش نگرانی عمومی و رفتارهای هیجانی در بازار شد. همچنین، فقدان هماهنگی با نهادهای تأمین و توزیع مانند وزارت جهاد کشاورزی، گمرک و سازمان حمایت،

ستاد تنظیم بازار باید نظارت

هوشمند و میدانی را تقویت کند.

استفاده از سامانه‌های دیجیتال

برای رصد قیمت‌ها، موجودی انبارها

و رفتار فروشندگان، همراه با حضور

فعال بازرسان در نقاط حساس بازار

می‌تواند به کنترل بهتر نوسانات

بازار کمک کند

تخلف ارزی هزینه‌دار؟

شرکت‌های شبه‌دولتی در قالب تها‌تربا واردکنندگان سود می‌برند و سامانه نیما دور زده می‌شود

می‌توانند از حاصل از صادرات را مستقیماً صرف واردات کنند. این سیاست توانسته بخشی از مشکل را حل کند اما ایهامات جدی درباره صحت اظهارنامه‌های صادراتی و نرخ محاسبه کالاهای وارداتی، اعتبار آن را زیر سوال برده است. برای حل پایدار این بحران، باید نهاد تنظیم‌گر مستقل برای بازار ارز ایجاد شود. در غیاب چنین نهاده‌ی، انحصار در عرضه و تقاضا ادامه خواهد داشت و دولت توان اجرایی لازم برای برخورد با شرکت‌های بزرگ را نخواهد داشت.

در نهایت، مشکل بازگشت ارز صادراتی را باید در ۲ سطح تحلیل کرد: در سطح خرد، صادرات کشاورزی با چالش‌های ساختاری روبه‌رو است. در سطح کلان، شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی با تداخل منافع و نبود سازوکار نظارتی، تعهدات ارزی خود را نادیده گرفته‌اند. سیاست تها‌تربا اگر چه مسکنی موقت بوده اما بدون اصلاح نظام ارزی، شفاف‌سازی عملکرد شرکت‌ها و تقویت ابزارهای نظارتی، نمی‌توان انتظار حل پایدار این بحران را داشت.

■ شکاف نرخ ارز؛ پنهان‌ای برای دور زدن سامانه نیما

یکی از مهم‌ترین دلایلی که شرکت‌های بزرگ برای عدم عرضه ارز صادراتی در سامانه نیما مطرح می‌کنند، فاصله قابل‌توجه میان نرخ ارز نیمایی و نرخ بازار آزاد است. این شکاف، انگیزه عرضه ارز در سامانه رسمی را کاهش داده و صادرکنندگان ترجیح می‌دهند ارز حاصل از صادرات را خارج از مسیرهای رسمی و با نرخ آزاد به فروش برسانند یا در قالب تها‌تربا، مستقیماً صرف واردات کنند.

در واکنش به این وضعیت، بانک مرکزی مجوزی صادر کرده که به موجب آن، صادرکنندگان می‌توانند از ارز وارداتی برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود استفاده کنند. البته این تصمیم در ظاهر، تسهیلگر تجارت خارجی است اما در عمل، می‌تواند به تضعیف سامانه نیما و کاهش شفافیت در جریان ارزی کشور منجر شود.

البته استفاده از ارز صادراتی برای واردات، پیش از این نیز در قالب توافقات غیررسمی میان شرکت‌های صادرکننده و واردکننده انجام می‌شد. شرکت‌ها با هماهنگی طرف‌های وارداتی، ارز خود را به جای عرضه در نیما، مستقیماً برای واردات مواد اولیه، تجهیزات صنعتی یا کالاهای واسطه‌ای تخصیص می‌دادند. این سازوکار، اگرچه نیاز تولید را تا حدی تأمین می‌کرد اما عملاً سامانه نیما را دور می‌زد و امکان نظارت دقیق بر جریان ارزی را از بین می‌برد.

در شرایطی که نرخ ارز نیمایی فاصله‌ی چشمگیر با نرخ بازار آزاد دارد، صادرکننده انگیزه‌ای برای عرضه ارز در سامانه رسمی ندارد. این وضعیت نه‌تنها به کاهش منابع ارزی در سامانه نیما

گروه اقتصادی: رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر اعضای هیات دولت، بار دیگر بر اهمیت تنظیم بازار، تأمین کالاهای اساسی و مقابله با افزایش قیمت‌ها تأکید کردند؛ موضوعی که در شرایط خاص کشور، بویژه در خلال جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بیش از پیش اهمیت یافت. با این حال، عملکرد ستاد تنظیم بازار در این دوره با نقاط ضعف قابل توجهی همراه بوده که نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت است.

در جریان جنگ اخیر، ستاد تنظیم بازار نتوانست اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقعی درباره موجودی کالاهای اساسی ارائه دهد و همین خلأ موجب شکل‌گیری شایعاتی درباره کمبود کالا شد. ضعف در هماهنگی با نهادهای تأمین و توزیع کالا، بویژه در مرزها و گمرکات، باعث تأخیر در ترخیص و توزیع اقلام ضروری شد. در حالی که بانک مرکزی با مداخله سریع در بازار ارز نتوانست بخشی از التهاب را کنترل کند، ستاد تنظیم بازار حضور میدانی مؤثری در بازار نداشت و نتوانست اعتماد عمومی را بازایی کند. همچنین در مقابله با احتکار و گران‌فروشی در برخی اقلام پر مصرف مانند گوشت مرغ و روغن، اقدامات مؤثری انجام نشد و قیمت‌ها در روزهای جنگ افزایش یافت.

■ وظایف مغفول ستاد تنظیم بازار

برای اصلاح این روند، ستاد تنظیم بازار باید نظارت هوشمند و میدانی را تقویت کند. استفاده از سامانه‌های دیجیتال برای رصد قیمت‌ها، موجودی انبارها و رفتار فروشندگان، همراه با حضور فعال بازرسان در نقاط حساس بازار، می‌تواند به کنترل بهتر نوسانات بازار کمک کند.

گروه اقتصادی: حدود یک سال از زمانی که عبدالناصر همتی، وزیر وقت اقتصاد اعلام کرد بیش از ۳۰ درصد ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به کشور بازنگشته، می‌گذرد. آن زمان، نظام چندنرخ‌ی ارز به عنوان عامل اصلی معرفی شد؛ ساختاری که انگیزه صادرکنندگان برای رفع تعهد ارزی را کاهش داده بود. اما مرور داده‌های رسمی نشان می‌دهد مشکل فراتر از نرخ ارز است و به ساختار اقتصاد کشور و نقش شرکت‌های بزرگ شبه‌دولتی بازمی‌گردد.

در صادرات کشاورزی، ماهیت خرد و پراکنده معاملات باعث شده بخشی از صادرات به صورت ریالی انجام شود؛ صادرکننده کالا را در کشورهای همسایه می‌فروشد و ارز واقعی وارد چرخه اقتصادی نمی‌شود. این مدل، عملاً امکان رفع تعهد ارزی را از بین می‌برد. اما مساله اصلی در حوزه صادرات صنعتی، معدنی و پتروشیمی رقم خورده است؛ حوزه‌ای که در اختیار شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی قرار دارد. بر اساس گزارش‌های رسمی، حدود ۲۰ شرکت بزرگ در صنایع پتروشیمی، فولاد و معدن در صدر فهرست صادرکنندگانی هستند که ارز حاصل از صادرات خود را به کشور بازگردانده‌اند.

محسن زنگنه، نایب‌رئیس کمیسیون تلفیق مجلس تأکید کرده «۸۰ درصد این شرکت‌ها وابسته به دولت یا صندوق‌های بازنشتگی هستند. این شرکت‌ها با تأخیر در بازگشت ارز، سود بیشتری کسب می‌کنند و بخشی از این سود را صرف پرداخت حقوق بازنشتگان می‌کنند. چنین چرخه‌ای باعث شده دولت در جایگاه ذی‌نفع قرار گیرد و عملاً توانایی برخورد با این شرکت‌ها را از دست بدهد. برخلاف تصور عمومی، صادرکنندگان خصوصی نقش کمتری در این مشکل دارند و بخش عمده‌ای از عدم ایفای تعهدات ارزی به رفتار شرکت‌های شبه‌دولتی بازمی‌گردد».

زنگنه معتقد است: «از سال ۱۳۹۶، نظام ارزی به شکلی طراحی شده که صادرکنندگان را به تأخیر در بازگشت ارز تشویق می‌کند. این ذهنیت که افزایش نرخ ارز سودآور است، پیام روشنی به صادرکنندگان داده و موجب شکل‌گیری یک نظام ارزی رهاشده شده‌است؛ ساختاری که انتظارات تورمی و بی‌ثباتی اقتصادی را تشدید کرده‌است».

عدم بازگشت ارز صادراتی، پیامدهای گسترده‌ای دارد. نخست، کاهش منابع ارزی برای واردات مواد اولیه تولید که موجب افزایش هزینه‌ها و رشد تورم می‌شود. دوم، فشار بر بازار آزاد ارز، که با افزایش تقاضا و کاهش عرضه رسمی، نرخ ارز را بالا می‌برد و به تورم دامن می‌زند.

در پاسخ به این مساله، دولت تا سال ۱۴۰۱ سیاست تها‌تربا ارزی را اجرایی کرده است. در این سازوکار، صادرکنندگان